



The Effect of Social, Political, and Religious Factors in Preferences for Redistribution: A Study in Iran

Faezeh Karimi¹  , Atiyeh Vahidmanesh^{*,1}  

1. Department of Applied Economics, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran.

* Corresponding author

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Article History: Received: 11 Feb. 2025 Revised: 01 May 2025 Accepted: 07 June 2025 Published: 12 Sep. 2025 Keywords: <i>Economic Preferences, Government Intervention, Income Redistribution, World Values Survey.</i> JEL Classification: D31, D63, P36, Z12, Z13.	This paper examines the impact of social status, value and political attitudes on individuals' approach to income redistribution by the government. This research was conducted using the seventh wave of the Global Values Survey for 2020. The findings show that in Iran, younger, more educated, and lower-income individuals have a greater demand from the government for redistribution. Women and urban residents also preferred government intervention more than men and rural residents. Religious attitude, and especially political attitude, is also important factors determining individuals' economic preferences; so that religious people were less interested in government intervention than non-religious people, while individuals with a political attitude that seeks change in the country's current political system had a greater preference for government action to redistribute wealth than conservatives who want to maintain the status quo. This can show that although economic factors play a key role in determining individuals' redistribution preferences, the role of social and cultural values cannot be ignored.

Karimi, F., & Vahidmanesh, A. (2025). The Effect of Social, Political, and Religious Factors in Preferences for Redistribution: A Study in Iran. *Journal of Economic Research*, 60(2), 1016-1053.



©The Authors retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: [10.22059/jte.2025.388359.1008970](https://doi.org/10.22059/jte.2025.388359.1008970)

نقش عوامل اجتماعی، سیاسی و مذهبی در شکل‌گیری ترجیحات

بازتوزیعی: مطالعه‌ای در ایران

فائزه کریمی^۱، عطیه وحیدمنش^{۱*}

۱. گروه اقتصاد کاربردی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در این مقاله، تأثیر موقعیت اجتماعی و نگرش‌های ارزشی و سیاسی بر رویکرد افراد نسبت به بازتوزیع درآمد از سوی دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحقیق با استفاده از موج هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی مربوط به سال ۲۰۲۰ انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ایران افراد جوان‌تر، با تحصیلات بالاتر و با درآمد کمتر تقاضای بیشتری از دولت برای بازتوزیع ثروت دارند. همچنین ترجیح زنان و شهری‌ها برای مداخله دولت بیش از مردان و روستایی‌ها بوده است. گرایش مذهبی و به ویژه گرایش سیاسی نیز از عوامل مهم تعیین‌کننده ترجیحات اقتصادی افراد است؛ به طوری که مذهبی‌ها نسبت به غیر مذهبی‌ها علاقه کمتری به مداخله دولت داشته‌اند در حالی که افراد با گرایش سیاسی تحول‌خواه که خواهان تغییر در فضای سیاسی فعلی کشور هستند، نسبت به محافظه‌کاران که خواستار حفظ وضع موجودند، ترجیح بیشتری برای اقدام دولت در جهت بازتوزیع ثروت داشته‌اند. موضوعی که می‌تواند نشان دهد اگرچه عوامل اقتصادی نقشی کلیدی در تعیین ترجیحات بازتوزیعی افراد دارند، از نقش‌آفرینی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نمی‌توان چشم پوشید.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲	
کلیدواژه‌ها:	
بازتوزیع درآمد،	
ترجیحات اقتصادی،	
مداخله دولت،	
نظرسنجی ارزش‌های جهانی.	
طبقه‌بندی JEL:	
D31, D63, P36, Z12, Z13.	

کریمی، فائزه، و وحیدمنش، عطیه. (۱۴۰۴). نقش عوامل اجتماعی، سیاسی و مذهبی در شکل‌گیری ترجیحات بازتوزیعی: مطالعه‌ای در ایران. *تحقیقات اقتصادی*، ۶۰(۳)، ۱۰۱۶-۱۰۵۳.



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: [10.22059/jte.2025.388359.1008970](https://doi.org/10.22059/jte.2025.388359.1008970)

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر فقر و نابرابری اقتصادی در ایران در حال افزایش بوده است؛ به طوری که آمارهای رسمی نشان می‌دهند نرخ فقر در کشور در سال ۱۴۰۲ به ۳۰ درصد رسیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳). این موضوع سبب شده توجهات زیادی به شکل بازتوزیع درآمد در جامعه به منظور کاهش نابرابری اقتصادی معطوف شود. از یک سو نابرابری می‌تواند به طور غیر مستقیم - برای مثال با گسترش جرایم - درآمد افراد در یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد، و از سوی دیگر اجرای سیاست‌های بازتوزیعی نیز درآمد فعلی و آتی افراد را تغییر خواهد داد (آلسینا^۱ و گیلیانو^۲، ۲۰۱۱). با این حال نگاه به این موضوع و پیامدهای آن اغلب یک‌جانبه و معطوف به دستگاه دولت به عنوان عرضه‌کننده این سیاست‌ها بوده است و در عوض کمتر به سمت تقاضا برای بازتوزیع یعنی جامعه‌ی هدف این سیاست‌ها توجه شده است.

بررسی ترجیحات بازتوزیعی افراد در ادبیات اقتصادی سابقه‌ای طولانی دارد. انگیزه اساسی اقتصاددانان از پژوهش در این مورد را می‌توان جستجو درباره تفاوت اندازه دولت در کشورهای مختلف دانست. ملترز^۳ و ریچارد^۴ در پژوهشی که سنگ بنای تحقیقات بعدی قرار گرفت، این مسأله را طرح کردند که چرا هیچ توضیح پذیرفته‌شده‌ای در مورد تفاوت اندازه دولت در کشورها وجود ندارد؟ آن‌ها پاسخ این سؤال را در تفاوت سطح درآمدی افراد و رأی آن‌ها به نرخ‌های مالیات متفاوت دانستند (ملترز و ریچارد، ۱۹۸۱).

به علاوه دیدگاه و ترجیح افراد نسبت به بازتوزیع درآمد از ثروتمندان به فقرا خط تمایزی مهم میان طیف راست و چپ سیاسی در مسائل اقتصادی است (آلسینا و گیلیانو، ۲۰۱۱). بنابراین اهمیت دیگر شناسایی ترجیحات بازتوزیعی افراد کمک به شناسایی ریشه تمایز میان رویکردهای سیاسی در جامعه است.

اگرچه پژوهش‌های کلاسیک اقتصادی در پاسخ به این سؤال بر اثر درآمد جاری افراد تأکید داشتند و منفعت فردی و صرفاً اقتصادی افراد را تنها عامل تعیین‌کننده ترجیحات بازتوزیعی در نظر می‌گرفتند، با این حال پژوهش‌های بعدی نشان دادند که وضعیت اقتصادی تنها یکی از

¹. Alesina

². Giuliano

³. Meltzer

⁴. Richard

عوامل مؤثر بر این ترجیحات است و متغیرهای بسیار دیگری همچون پیشینه شخصی، ارزش‌های فرهنگی، باورهای مذهبی، رویکرد سیاسی و رخدادهای اجتماعی نیز تأثیر گذارند. برای مثال، آلسینا و شوندلن^۱ (۲۰۰۷) نشان دادند که تفاوت نهادها و ساختارهای اقتصادی و سیاسی در آلمان شرقی و آلمان غربی در طی ۲۵ سال سبب شده ترجیحات افراد این مناطق نسبت به مداخله دولت در اقتصاد تفاوت زیادی داشته باشد؛ به طوری که یک تا دو نسل (۲۰ تا ۴۰ سال) طول می‌کشد تا یک فرد در آلمان شرقی همان دیدگاهی را در مورد مداخله دولت داشته باشد که یک فرد در آلمان غربی دارد.

مورد دیگری که اهمیت موضوع این تحقیق را روشن می‌کند این است که مطابق تجربیات داخلی و جهانی اجرای سیاست‌های اقتصادی وابستگی زیادی به موافقت یا عدم موافقت جامعه با آن‌ها دارد؛ به عبارت دیگر سیاست‌گذاری اقتصادی در ارتباط مستقیم با افراد است. بنابراین تعیین عواملی که بر پذیرش سیاست‌ها یا مقاومت در برابر آن‌ها اثرگذار است اهمیت زیادی دارد. در ایران نیز نتایج موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که ۵۴ درصد از جامعه ایران عامل فقر و تنگدستی افراد در جامعه را بی‌عدالتی در جامعه و سیاست‌های اقتصادی دولت می‌دانند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تقاضای بالقوه زیادی در بخش وسیعی از جامعه‌ی ایران برای اجرای سیاست‌های بازتوزیع درآمدی وجود دارد.

در این تحقیق برخی عوامل اثرگذار بر ترجیحات بازتوزیعی افراد در جامعه ایران بررسی شده است. این مبحث اگرچه در کشورهای دیگر به ویژه کشورهای غربی ادبیات گسترده‌ای دارد، در کشور ما به دلیل عدم دسترسی مناسب به داده‌های پیمایش‌ها و حضور کم‌رنگ مباحث اقتصادی در پیمایش‌های اجتماعی تا حدی مغفول مانده است. با این حال، پیمایش ارزش‌های جهانی^۲ فرصت پژوهش در این موضوع را فراهم کرده است.

نتایج این مقاله اثر پررنگ وضعیت اجتماعی، جایگاه اقتصادی و گرایش سیاسی افراد را بر نگرش اقتصادی آن‌ها نسبت به مداخله‌ی دولت برای سیاست‌های بازتوزیعی نشان می‌دهد. ادامه مقاله به صورت ذیل ترتیب داده شده است. بخش دوم به پیشینه پژوهش و مروری بر عوامل مؤثر ترجیحات بازتوزیعی اختصاص خواهد یافت. بخش سوم، روش تحقیق و مدل تجربی

^۱. Schündeln

^۲. World Values Survey (WVS)

را توصیف می‌کند، در بخش چهارم، داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی و متغیرهای به کار رفته در پژوهش معرفی خواهند شد. در بخش پنجم، نتایج بدست آمده مورد تحلیل و تفسیر قرار خواهند گرفت و بخش پایانی نیز به جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی حاصل از این پژوهش می‌پردازد.

۲- پیشینه تحقیق

این سؤال که چرا رویکرد اقتصادی کشورها با یکدیگر متفاوت است، سال‌های زیادی است که ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است. برخی کشورها بر آزادی کامل اقتصادی به عنوان موتور محرک توسعه تأکید دارند، در حالیکه برخی دیگر کاهش نابرابری اقتصادی را به عنوان شرطی غیر قابل انکار در نظر می‌گیرند. اما چه چیز این تفاوت را شکل می‌دهد؟ این سؤال مسأله‌ای است که اقتصاددانان و پژوهشگران علوم اجتماعی سعی کرده‌اند به آن پاسخ دهند.

اولین پاسخ به این مسأله از سوی ملتزر و ریچارد (۱۹۸۱) ارائه شده است. آن‌ها سهم درآمدهای بازتوزیع شده را معیاری برای اندازه یک دولت دانستند و بحث کردند که چه چیز بر میزان بازتوزیع مؤثر است. در این پژوهش فرض شده که افراد برای تعیین سیاست‌های بازتوزیع که توسط نرخ مالیات تعیین می‌شود رأی می‌دهند و در این میان رأی‌دهنده میانه تعیین‌کننده سیاست خواهد بود. نتیجه این بود که اولاً هرچه بهره‌وری افراد بالاتر باشد، نرخ ترجیحی مالیات آن‌ها کمتر است و ثانیاً انتخاب میان کار و اوقات فراغت به درآمد افراد بستگی دارد. اگر درآمد آن‌ها کمتر از درآمد رأی‌دهنده میانه باشد حامی بازتوزیع و وقتی بیشتر از آن باشد مخالف بازتوزیع خواهند بود. به همین علت است که گسترش حق رأی در قرن نوزدهم و بیستم سبب افزایش نرخ بازتوزیع شد، زیرا تعداد رأی‌دهندگان با درآمد کمتر افزایش یافت.

مقاله ملتزر و ریچارد مبنای پژوهش‌های بعدی در مورد عوامل تعیین‌کننده ترجیحات افراد برای بازتوزیع درآمد شد. اما پس از آن پژوهش پیکتی^۱ (۱۹۹۵) نشان داد که علاوه بر درآمد جاری افراد یک عامل مهم دیگر یعنی تأثیرپذیری افراد از نسل قبل از خود – که تحرک^۲ نامیده می‌شود – نیز ترجیحات بازتوزیعی آن‌ها را تعیین می‌کند. بنابراین امکان دارد افراد با درآمد یکسان

^۱. Piketty

^۲. Mobility

اما پیشینه اجتماعی متفاوت ترجیح متفاوتی در مورد بازتوزیع داشته باشند و این اهمیت نظام‌های اعتقادی را در تولید نابرابری نشان می‌دهد.

آلسینا و لافرارا^۱ (۲۰۰۵) در پژوهش دیگری علاوه بر شاخص تحرک اجتماعی خود فرد، تحرک عمومی جامعه را نیز در نظر گرفتند و برای اندازه‌گیری آن با استفاده از پیمایش اجتماعی عمومی^۲ - که از مهم‌ترین داده‌های اجتماعی در ایالات متحده است - شاخص‌هایی ساختند که یکی از آن‌ها درآمد انتظاری یک فرد در یک دهک مشخص بود. نویسندگان نشان دادند که هرچه درآمد انتظاری افراد و احتمال حرکت آن‌ها به سمت درآمد بیش از میانگین جامعه بیشتر باشد، حمایت آن‌ها از بازتوزیع کمتر خواهد بود. موضوعی که پژوهش بنابو^۳ و اوکی^۴ نیز آن را تأیید می‌کند.

پس از پیکتی (۱۹۹۵) اقتصاددانان به تدریج دریافته‌اند که گرچه درآمد جاری و انتظاری یک عامل کلیدی در تعیین ترجیحات است اما همه آن را شامل نمی‌شود. بنابراین به تدریج نقش متغیرهای متنوعی بر ترجیحات بازتوزیعی افراد بررسی شد.

بخش مهمی از متغیرهای بررسی‌شده مشخصات فردی و خانوادگی افراد هستند. آلسینا و گیلیانو^۵ (۲۰۱۱) مرور نسبتاً جامعی بر این متغیرها انجام داده‌اند. برخی از این متغیرها مانند سن، جنسیت، نژاد، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات در اغلب پژوهش‌ها به عنوان متغیرهای کنترلی حضور دارند که برای نمونه می‌توان به گیلو^۶ (۲۰۱۳)، چوی^۷ (۲۰۲۱)، کاراباربونیس^۸ (۲۰۱۱) اشاره کرد. همچنین برخی پژوهش‌گران مانند زامپلی^۹ و تی‌ین^{۱۰} (۲۰۲۰) اثر ویژگی‌های دیگر مانند وضعیت تأهل و تعداد فرزندان نیز بر ترجیحات بازتوزیعی مورد سنجش قرار داده‌اند. در برخی پژوهش‌ها از جمله راوالین^{۱۱} و لوکشین^{۱۲} (۱۹۹۹) به اثر شهری یا روستایی بودن افراد در تعیین ترجیحات اشاره شده است.

1. La Ferrara

2. General Social Survey (GSS)

3. Benabou

4. Ok

5. Giuliano

6. Guillaud

7. Choi

8. Karabarbounis

9. Zampelli

10. T Yen

11. Ravallion

12. Lokshin

در کنار مشخصات فردی اقتصاددانان به نقش باورها و اعتقادات نیز در شکل‌گیری ترجیحات اقتصادی توجه زیادی کرده‌اند. آلسینا و آنجلوتوس^۱ (۲۰۰۴) بحث کردند که نوع باور به مفهوم عدالت در میان افراد چگونه می‌تواند بر سیاستی که در جامعه آن‌ها پی گرفته می‌شود مؤثر باشد. به این صورت که اگر جامعه‌ای معتقد باشد که تلاش فردی تعیین‌کننده درآمد است مالیات کم و در نتیجه بازتوزیع کم را انتخاب خواهد کرد. در عوض، اگر جامعه‌ای بر این باور باشد که شانس، ارتباطات و فساد تعیین‌کننده ثروت است، مالیات‌های بالایی نیز وضع خواهد کرد. بنابو^۲ و تیرو^۳ (۲۰۰۶) نیز با اشاره به باور «رؤیای آمریکایی»^۴ به نقش باورهای جمعی پرداختند و توضیح دادند که این باور سبب شده آمریکایی‌ها تلاش بیشتری کنند، بازدهی بالاتری داشته باشند و خوش‌بین‌تر باشند و در نتیجه نرخ مالیات پایین‌تری نسبت به اروپایی‌ها وضع کنند. علاوه بر ایدئولوژی‌های جمعی بنابو و تیرو فرهنگ و دین موجود در جامعه را نیز مهم دانستند و توضیح دادند که باور یا عدم باور به دنیای پس از مرگ و پاداش اخروی تابع مطلوبیت افراد، میزان تلاش آن‌ها و ترجیحشان نسبت به بازتوزیع را تغییر خواهد داد.

علاوه بر بنابو و تیرو پژوهشگران دیگری نیز بر نقش دین به عنوان یک نظام اعتقادی در شکل‌دهی به ترجیحات اقتصادی تأکید کرده‌اند. یکی از کارهای شاخص این حوزه پژوهش مک کارتی^۵ و همکاران (۲۰۱۶) است که به طور خاص به نقش دین به عنوان عامل تعیین‌کننده سیاست‌های بازتوزیعی در میان مردم آمریکا پرداخته و جوانب مختلف آن را بررسی کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌داد وابستگی دینی به این معنا که فرد خود را متعلق به یک مذهب خاص تعریف کند و همچنین درجه مذهبی بودن به این معنا که فرد علاوه بر تعریف خود در اعمال مذهبی نیز شرکت داشته باشد، ارتباط معناداری با ترجیحات بازتوزیعی افراد نداشتند. این در حالی است که ایدئولوژی گروهی افراد مذهبی رابطه قابل ملاحظه‌ای با ترجیحات آن‌ها داشته است.

آلسینا و گیلیانو (۲۰۱۱) نیز بر اهمیت باورها، تجربه‌های تاریخی، عوامل فرهنگی و گذشته شخصی افراد به عنوان عوامل تعیین‌کننده ترجیحات اقتصادی فردی تأکید کرده‌اند. آن‌ها در

1. Angeletos

2. Benabou

3. Tirole

4. American Dream

5. McCarthy

پژوهش خود هنجارهای فرهنگی را با استفاده از رفتار مهاجران در آمریکا بررسی کرده و نشان دادند که هنجارهای فرهنگی یک جامعه عاملی مهم در تعیین ترجیحات افراد برای بازتوزیع است. پژوهشگران در بحث ترجیحات برای بازتوزیع در کنار معیارهایی عینی^۱ اقتصادی مثل درآمد جاری یا درآمد آتی، همچنین توجه زیادی را به درک^۲ افراد از مسائل مختلفی مثل تحرک اجتماعی، توزیع درآمد و نابرابری فرصت‌ها معطوف کرده و نشان داده‌اند که نقش درک ذهنی افراد لزوماً کمتر از معیارهای عینی در تعیین ترجیحات بازتوزیعی نیست. برای نمونه کیم^۳ و لی^۴ (۲۰۱۷) به اثر تلقی افراد نسبت به نابرابری فرصت‌ها روی رابطه موقعیت اجتماعی - اقتصادی افراد پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که هرگاه افراد درک بیشتری از نابرابری در جامعه خود دارند اثر موقعیت اجتماعی - اقتصادی آن‌ها روی نگرش نسبت به بازتوزیع کم‌رنگ‌تر می‌شود. یاکونو^۵ و رانالدی^۶ نیز اطلاعات صحیح افراد از سطح نابرابری در جامعه را در آراء بازتوزیعی آن‌ها مؤثر دانستند.

یک متغیر دیگر مهم که در بحث ترجیحات بازتوزیعی به آن پرداخته شده وضعیت اشتغال افراد است. این متغیر معمولاً در کارهای تجربی به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته می‌شود. اما برخی به صورت خاص به جوانب مختلف وضعیت اشتغال و تأثیر آن روی ترجیحات افراد برای بازتوزیع پرداخته‌اند. یک پژوهش شاخص در این زمینه توسط مارکس^۷ (۲۰۱۴) انجام شده است. نتایج این مقاله نشان داد که افزایش ناامنی شغلی ذهنی تقاضا برای بازتوزیع را افزایش می‌دهد، که البته این تأثیر مشروط به انتظارات در مورد چشم‌انداز شغلی در آینده است.

تأثیر گرایش‌های سیاسی بر ترجیحات اقتصادی مسأله مهمی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. نوع رابطه‌ی این دو نوع از ترجیحات همواره ذهن اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی به خود مشغول کرده است.

زامپلی و تی ین (۲۰۲۰) با استفاده از داده‌های پیمایش اجتماعی عمومی ترجیحات افراد برای بازتوزیع را در میان زیرگروه‌های ایدئولوژیک سیاسی در آمریکا یعنی لیبرال‌ها، محافظه‌کاران

1. Objective

2. Perception

3. Kim

4. Lee

5. Iacono

6. Rinaldi

7. Marx

و مستقل‌ها مورد سنجش قرار دادند. نتایج نشان داد که فارغ از ایدئولوژی سیاسی، وابستگی حزبی عاملی کلیدی در تعیین ترجیحات افراد است. بنابراین به نظر می‌رسد که گاه نه باورها و جهان‌بینی فرد بلکه وابستگی و احساس تعلق او به یک گروه یا حزب ترجیحاتش را برای بازتوزیع شکل می‌دهد. موضوعی که در پژوهش کوهن^۱ (۲۰۰۳) و باربر^۲ و پاپ^۳ (۲۰۱۸) نیز به آن اشاره شده است.

در ادبیات نظری ترجیحات برای بازتوزیع علاوه بر متغیرهایی که ذکر شد، به سایر ویژگی‌های شخصیتی مثل سن، جنسیت، نژاد، تحصیلات، تعداد فرزندان، نوع‌دوستی و درجه ریسک‌گریزی نیز اهمیت داده شده است و این متغیرها در پژوهش‌های تجربی اغلب به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل لحاظ شده‌اند.

در نهایت باید به این موضوع اشاره کرد که با وجود ادبیات گسترده ترجیحات بازتوزیعی در کشورهای غربی، تا کنون در این مورد در کشورهای خاورمیانه از جمله ایران تحقیق زیادی صورت نگرفته است. تنها پژوهش قابل توجه مربوط به الرفحی^۴ (۲۰۱۹) است که با استفاده از پیمایش ارزش‌های جهانی اثر وقوع انقلاب ۲۰۱۱ مصر را بر ترجیحات اقتصادی مردم این کشور مورد بررسی قرار داده و با یک مقایسه تطبیقی با چند کشور دیگر منطقه آن را ارزیابی کرده است. پژوهشی که به خوبی می‌تواند نقش شوک‌های سیاسی و اجتماعی را بر نوع نگرش اقتصادی افراد نمایان کند.

با این حال در پژوهش‌هایی در کشور ما به تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر رفتار اقتصادی پرداخته شده است که از جمله می‌توان به پژوهش اسدالله‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) اشاره کرد که با روش تحقیق مبتنی بر پرسشنامه تأثیر برخی ویژگی‌های فردی مثل برون‌گرایی، سازگاری و روان‌رنجوری را بر رفتار اقتصادی بررسی کرده است.

همچنین استفاده از داده‌های مربوط به سنجش ارزش‌ها مانند «پیمایش ارزش‌های جهانی» و «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» بر خلاف علوم اجتماعی و سیاسی در علوم اقتصادی کمتر رایج بوده است، با این حال می‌توان به پژوهش امیری و رحمانی (۱۳۸۵) اشاره کرد که با

1. Cohen

2. Barber

3. Pope

4. El Rafahi

استفاده از داده‌های ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان اثر سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی را بر رشد اقتصادی استان‌های ایران مورد بررسی قرار دادند.

۳- معرفی مدل

۳-۱- معرفی مدل لاجیت ترتیبی^۱

همان‌طور که بیان شد هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ترجیحات اقتصادی با ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی، ترجیحات سیاسی و ارزش‌های مذهبی افراد است. از آنجا که هدف بررسی ارتباط میان انتخاب‌های افراد است از مدل‌های انتخاب گسسته^۲ استفاده می‌شود. این مدل‌ها انتخاب تصمیم‌گیرندگان در میان گزینه‌های مختلف را بررسی می‌کنند و با فرض رفتار حداکثرسازی مطلوبیت از سوی تصمیم‌گیرندگان بدست می‌آیند (ترین^۳، ۲۰۰۹: ۶).

از آنجا که تمام تابع مطلوبیت تصمیم‌گیرنده قابل مشاهده نیست، این تابع به دو قسمت تقسیم می‌شود:

$$U_{ni} = V_{ni} + \varepsilon_{ni} \quad (۱)$$

که در آن V_{ni} مطلوبیت قابل مشاهده برای تصمیم‌گیرنده n ام است و ε_{ni} آن بخشی از مطلوبیت است که قابل مشاهده نیست.

حال اگر چند گزینه برای انتخاب وجود داشته باشد، احتمال انتخاب گزینه i برابر است با:

$$\begin{aligned} \text{Prob}(U_{ni} > U_{nj} \forall j \neq i) &= P_{ni} \\ &= \text{Prob}(V_{ni} + \varepsilon_{ni} > V_{nj} + \varepsilon_{nj} \forall j \neq i) \end{aligned} \quad (۲)$$

$$\begin{aligned} &= \text{Prob}(\varepsilon_{nj} - \varepsilon_{ni} < V_{ni} - V_{nj} \forall j \neq i) \\ &= \int I(\varepsilon_{nj} - \varepsilon_{ni} < V_{ni} - V_{nj} \forall j \neq i) f(\varepsilon_n) d\varepsilon_n \end{aligned}$$

که در آن $I(\cdot)$ تابعی با مقادیر صفر یا یک است؛ به طوری که هر گاه عبارت داخل پرانتز صحیح باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد. $f(\varepsilon_n)$ تابع چگالی بخش غیر قابل مشاهده تابع مطلوبیت است.

^۱. Ordered Logit

^۲. Discrete Choice Models

^۳. Train

با در نظر گرفتن فروض متفاوت راجع به توزیع تابع $f(\varepsilon_n)$ مدل‌های انتخاب گسسته مثل لاجیت^۱ و پروبیت^۲ از یکدیگر متمایز می‌شوند.

در این پژوهش با توجه به ادبیات موضوع از مدل لاجیت ترتیبی استفاده شده است. فرض اساسی مدل لاجیت این است که در آن جملات خطا (بخش مشاهده نشده تابع مطلوبیت) توزیع مقدار حدی نوع اول^۳ را دارند و به صورت یکسان و مستقل از یکدیگر توزیع شده‌اند. توزیع تجمعی این جملات به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$F(\varepsilon_{nj}) = e^{-e^{-\varepsilon_{nj}}} \quad (۳)$$

که در آن ε_{nj} قسمت مشاهده‌نشده مطلوبیت تصمیم‌گیرنده n ام برای انتخاب آلترناتیو j ام است. همچنین از آنجا که متغیر وابسته این پژوهش به صورت ترتیبی است از مدل لاجیت ترتیبی استفاده شده است.

در مدل لاجیت ترتیبی، فرض می‌شود که رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در بین همه دسته‌های متغیر وابسته یکسان است. به عنوان مثال در این مطالعه، متغیر وابسته همان طور که در بخش داده به تفصیل توضیح داده خواهد شد، تمایل افراد به مداخله دولت در رابطه با سیاست‌های بازتوزیعی است که به سه دسته کم، متوسط، و زیاد ترجیحات افراد مرتب شده است. فرض نسبت‌های متناسب^۴ یا همان فرض رگرسیون موازی بیان می‌کند، تأثیر متغیرهای مستقل در هر سه دسته یکسان است. در نتیجه، باید پس از برآورد مدل، از آزمون‌هایی که این فرض را آزمون می‌کنند، بهره گرفت. در صورتی که فرض رگرسیون موازی نقض شود ($p\text{-value} < 0.05$) می‌توان از مدل لاجیت ترتیبی تعمیم یافته^۵ (GOLM) برای برآورد مدل بهره گرفت. در مدل لوجیت ترتیبی تعمیم یافته، فرض رگرسیون موازی (نسبت‌های متناسب)، تعدیل می‌شود و به مدل اجازه می‌دهد که ضرایب متغیرهای وابسته برای هر سطح متغیر وابسته متفاوت باشد. در نرم‌افزار استتا با استفاده از دستور `oparallel` می‌توان این فرض را آزمون کرد.

1. Logit

2. Probit

3. Extreme Value Type I Distribution
(Gumbel Distribution)

4. proportional odds assumption

5. Generalized Ordered Logit

۳-۲- تخمین مدل

برای مدلسازی این پژوهش فرض می‌شود که مطلوبیت یا ترجیح افراد برای بازتوزیع اقتصادی می‌تواند با یک متغیر پنهان و یک تخصیص خطی انجام شود. این تخصیص چنانچه در معادله (۱) نمایش داده شد، به صورت زیر است:

$$y^* = xB + u \quad (۴)$$

در این مدل y^* متغیر پنهان^۱ است که قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست. بنابراین برای اینکه این متغیر قابل سنجش شود، از یک متغیر قابل مشاهده‌ی طبقه‌بندی شده با نام y به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} y = 1 & \text{ اگر } \mu_0 \leq y^* < \mu_1 \\ y = 2 & \text{ اگر } \mu_1 \leq y^* < \mu_2 \\ y = 3 & \text{ اگر } \mu_2 \leq y^* < \mu_3 \end{aligned} \quad (۵)$$

که در آن μ ها حدود دسته‌بندی y^* هستند به طوری که $\mu_0 = -\infty$ و $\mu_3 = +\infty$ و باید تخمین زده شوند. در واقع y^* به عنوان متغیر وابسته مدل، ترجیحات افراد برای مداخله دولت در بازتوزیع اقتصادی را نشان می‌دهد. همچنین در این مدل x بردار متغیرهای توضیحی شامل سن، جنسیت، سکونت در شهر یا روستا، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، سطح درآمد، تعداد فرزندان، قومیت، رویکرد مذهبی و ایدئولوژی سیاسی بوده، B بردار ضرایب این متغیرها و u بردار جملات خطای تصادفی که توزیع آن لاجستیک در نظر گرفته می‌شود. در مورد متغیرها به تفصیل در بخش بعدی مقاله توضیح داده شده است.

در این مدل احتمال انتخاب هر گزینه توسط تصمیم‌گیرنده Π ام برابر است با:

$$P(y_i = j | x_i) = \frac{\exp(x_i - B_j)}{\sum_{k=1}^3 \exp(x_i - B_k)} \quad (۶)$$

برای تخمین پارامترهای مدل از روش حداکثر درستنمایی^۲ استفاده می‌شود. در این روش مقداری از پارامترها یافت می‌شود که احتمال مشاهده داده‌های موجود را به حداکثر برساند. تابع حداکثر درستنمایی به صورت زیر است:

$$L(B) = \prod_{i=1}^N \prod_{j=1}^3 [P(y_i = j | x_i)]^{I(y_i=j)} \quad (۷)$$

^۱. Latent Variable

^۲. Maximum Likelihood

که برای تخمین راحت‌تر تابع لگاریتمی^۱ آن به کار می‌رود:

$$\ln L(B) = \sum_{i=1}^N \sum_{j=1}^3 I(y_i = j) \ln P(y_i = j | x_i) \quad (۸)$$

ضرایب تخمینی متغیرهای توضیحی مدل، با حداکثرسازی تابع لگاریتمی حداکثر درستیابی به دست می‌آیند. البته از آنجا که این ضرایب به صورت لگاریتمی هستند تفسیر آن‌ها ساده نیست و برای تفسیر از اثر حاشیه‌ای^۲ متغیرهای توضیحی استفاده می‌شود که اثر تغییر هر متغیر مستقل بر ترجیحات بازتوزیعی به عنوان متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

همچنین برای اطمینان از تخمین صحیح مدل، جملات خطا بر حسب متغیر استان محل سکونت، خوشه‌بندی^۳ شدند. هدف از این کار اطمینان از عدم وجود همبستگی میان ویژگی‌های افراد ساکن در یک استان است؛ با این فرض که احتمالاً شباهت مشخصات و ترجیحات افراد ساکن یک استان بیشتر است. همانطور که توضیح داده شد، فرض اساسی مدل لاجیت استقلال جملات خطا و عدم وجود همبستگی میان آن‌ها است. بنابراین خوشه‌بندی باعث می‌شود نتایج آماری مدل قابل اطمینان‌تر شوند و ضرایب با دقت بهتری برآورد گردند.

۴- داده‌ها و متغیرها

در این پژوهش از داده‌های موج هفتم نظرسنجی ارزش‌های جهانی^۴ استفاده شده است که در ادامه به معرفی آن و توضیحی در مورد بخش داده‌های مربوط به ایران آن پرداخته می‌شود.

۴-۱- معرفی نظرسنجی ارزش‌های جهانی

نظرسنجی ارزش‌های جهانی، یک برنامه تحقیقاتی بین‌المللی است که هر ۵ سال یکبار در سطح جهانی انجام می‌شود و به مطالعه علمی و آکادمیک ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی مردم در جهان اختصاص دارد. پایه این پروژه مطالعات ارزش‌های اروپایی بود که در سال ۱۹۸۱ و در دانشگاه میشیگان ایالات متحده توسط رونالد اینگلهارت^۵ آمریکا آغاز به کار کرد و پس از آن به ۱۲۰ کشور گسترش یافت.

1. Log-likelihood Function

2. Marginal Effect

3. Clustering

4. World Values Survey

5. Ronald Inglehart

این پیمایش تا کنون در ۷ موج به اجرای کامل رسیده و داده‌های آن منتشر شده است. در موج هفتم آن که مربوط به سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ است، ۶۴ کشور از سراسر جهان شرکت کرده‌اند که ایران نیز یکی از آن‌ها بوده است.

۴-۲- ایران در نظرسنجی ارزش‌های جهانی

ایران تا کنون در سه موج چهارم (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴)، پنجم (۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹) و هفتم نظرسنجی ارزش‌های جهانی شرکت کرده که در این تحقیق از داده‌های موج هفتم استفاده شده است. در موج هفتم اندازه نمونه ۱۴۹۹ نفر در سطح ملی بوده است که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. جامعه این تحقیق همه‌ی اتباع بالای ۱۸ سال ایران اعم از زن و مرد بوده‌اند.

انتخاب نمونه در ۶ مرحله و بر اساس انتخاب تصادفی و در نهایت نمونه‌گیری تصادفی از کدهای پستی انجام شده است. با توجه به اندازه نمونه کوچک این نظرسنجی نسبت به جمعیت ایران، این نمونه صرفاً در سطح ملی نمایندگی جامعه را دارد و در سطح خردتری مانند استان‌ها و شهرستان‌های ایران نمی‌تواند پاسخگوی سوالات باشد.

در جدول ۱ توزیع نمونه در دسته‌بندی‌های اصلی شامل جنسیت، شهر و روستا، سن، سواد و منطقه سکونت نشان داده شده است که نشان می‌دهد یک تعادل نسبی در نمونه‌گیری از گروه‌های جمعیتی کشور وجود داشته است.

جدول ۱. توزیع نمونه کشور ایران در پیمایش ارزش‌های جهانی از نظر چند ویژگی اصلی

وزن دسته‌بندی (درصد)	وزن دسته‌بندی (درصد)	وزن دسته‌بندی (درصد)	وزن دسته‌بندی (درصد)
جنسیت	تحصیلات	منطقه	
مرد	بی‌سواد	شمال	۹/۳
زن	پیش‌دبستانی یا دبستان	تهران	۲۸/۱
شهری - روستایی	راهنمایی	مرکز	۹/۳
شهری	دبیرستان	شمال غرب	۱۲
روستایی	دیپلم - پیش دانشگاهی	شمال شرق	۱۰
سن	دانشجوی کارشناسی	جنوب غرب	۸
۱۸ - ۲۴	دانش آموخته کارشناسی	جنوب	۱۰/۷
۲۵ - ۴۹	ارشد و بالاتر	غرب	۵/۳
۵۰ - ۵۹		جنوب شرق	۷/۳
۶۰ - ۶۴			
۶۵			

منبع: گزارش فنی موج هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی در ایران.

۴-۳- معرفی متغیرها

۴-۳-۱- متغیر وابسته

متغیر وابسته این مقاله نظر افراد نسبت به لزوم مداخله یا عدم مداخله دولت در تامین نیازهای جامعه است که در سؤال ۱۰۸ پرسشنامه نظرسنجی ارزش‌های جهانی راجع به آن پرسیده شده است. این سؤال مقیاسی بین ۱ تا ۱۰ دارد که در این مقاله به ۳ دسته تغییر داده شد؛ به طوری که پاسخ‌دهندگان گروه ۱ طرفدار مداخله کمتر دولت، پاسخ‌دهندگان گروه ۲ طرفدار مداخله متوازن دولت و پاسخ‌دهندگان گروه ۳ طرفدار مداخله بیشتر دولت در بازتوزیع اقتصادی هستند.

۴-۳-۲- شاخص ایدئولوژی سیاسی

در این مقاله اثر ایدئولوژی سیاسی بر ترجیحات بازتوزیع اقتصادی افراد مورد بررسی قرار است. در پرسشنامه پیمایش ارزش‌های جهانی سؤال ویژه‌ای که بتواند دیدگاه سیاسی افراد در ایران به طور

کامل نشان دهد وجود ندارد و به همین دلیل برای سنجش این موضوع نیاز بود تا متغیر جدیدی ساخته شود.

ایدئولوژی سیاسی در ایران به دو صورت کلی در نظر گرفته شده است: محافظه کاری و تحول خواهی. در پرسشنامه ارزش های جهانی ۹ سؤال مرتبط به این موضوع وجود دارد که با ترکیب آن ها شاخص جدیدی ساخته شده است که افراد را یا به عنوان محافظه کار و یا تحول خواه شناسایی می کند؛ به طوری که هر چه افراد گرایش بیشتری به ساختار سیاسی کنونی کشور داشته و بر لزوم دینی بودن اداره کشور تأکید داشته باشند به عنوان محافظه کار شناسایی شده و هر چه به تغییر ساختار فعلی گرایش داشته و بر اصول اداره دموکراتیک تأکید داشته باشند به عنوان تحول خواه شناسایی می شوند. محتوای کلی این سؤالات به صورت زیر است:

۱- نگرش نسبت جامعه ای که در آن زندگی می کنیم: لزوم انقلاب، لزوم اصلاحات یا لزوم حفظ نظام در برابر کسانی که قصد ضربه زدن به آن را دارند.

۲- میزان خوب بودن نظام بر اساس قوانین دینی برای اداره کشور

۳- تفسیر قوانین توسط مقامات دینی تا چه میزان از ویژگی های ساختار دموکراتیک است؟

۴- انتخاب مقامات سیاسی توسط مردم در یک انتخابات آزاد تا چه میزان از ویژگی های ساختار دموکراتیک است؟

۵- حقوق برابر زنان با مردان تا چه میزان از ویژگی های ساختار دموکراتیک است؟

۶- میزان اهمیت اداره کشور بر اساس اصول دموکراسی و مردم سالاری

۷- میزان اداره کشور بر اساس اصول دموکراسی و مردم سالاری در حال حاضر

۸- میزان رضایت از کارکرد نظام سیاسی فعلی

۹- میزان احترام به حقوق فردی در کشور در حال حاضر

برای ساخت یک شاخص از ترکیب چند سؤال، روش های مختلفی وجود دارد. ساده ترین حالت این است که جهت همه سؤالات یکسان باشد (مثلاً اگر یک، نمایانگر عدم موافقت و ۱۰، نمایانگر موافقت کامل باشد و برای همه سؤالات همین رویه برقرار باشد) و سپس جواب های افراد جمع زده شود و سپس با توجه به توزیع متغیر ساخته شده آن را به چند دسته (مثلاً سه دسته) تقسیم کرد. این روش به خاطر سادگی و راحتی تفسیر ضرایب، در بسیاری از پژوهش ها استفاده

می‌شود. از جمع این ۹ سؤال، متغیر جدیدی با ۳ گویه ساخته شد به طوری که در آن گویه ۱ نماینده محافظه‌کاران، گویه ۲ نماینده میانه‌روها و گویه ۳ نماینده تحول‌خواهان است.

علاوه بر این روش، انواع روش‌های آماری که معمولاً متکی بر اثر نسبی هر سؤال روی شاخص نهایی و کاهش دادن بعد مدل با انتخاب مهم‌ترین و توضیح‌دهنده‌ترین متغیرها است نیز برای ساخت یک شاخص ترکیبی استفاده می‌شود. از معروف‌ترین روش‌های کاهش بعد، می‌توان به تحلیل عاملی^۱ و تحلیل مولفه‌های اصلی^۲ اشاره کرد. علاوه بر این دو روش، روش نظریه پاسخ به سؤال (IRT)^۳ نیز در روان‌سنجی، آموزش، و علوم اجتماعی بکار گرفته می‌شود. روش IRT در جایی که بخواهیم یک ویژگی نهفته/پنهان^۴ مانند نگرش و توانایی مورد سنجش قرار گیرد کاربرد مناسبی دارد. در نتیجه این روش برای ساخت شاخص ایدئولوژی سیاسی که نگرش سیاسی افراد را اندازه می‌گیرد انتخاب مناسبی است. مزیت روش نظریه پاسخ به سؤال نسبت به جمع ساده امتیازها یا تحلیل عاملی این است که در این روش، درجه اهمیت و تأثیرگذاری هر سؤال (item) در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه دقت آن بالاتر است. علاوه بر آن بخاطر آنکه بیشترین اطلاعات از سوالات مختلف را استخراج می‌کند، بهتر از روش‌های دیگر می‌تواند بین افراد تمایزگذاری کند. همچنین خروجی این مدل برخلاف مدل‌هایی مانند خوشه‌بندی، یک متغیر پیوسته است که نگرش پنهان فرد را (در این مطالعه نگرش سیاسی) مشخص می‌کند و در نتیجه تقسیم‌بندی این متغیر وابسته به دسته‌های تعریف شده مثل محافظه‌کاری، میانه‌روی و تحول‌خواهی، ساده‌تر است. البته روش IRT نیازمند اندازه نمونه بزرگ (بالاتر از ۵۰۰ مشاهده) است که این عامل جز محدودیت‌های این مدل است. البته در این مطالعه از آنجاییکه اندازه نمونه ۱۴۹۹ است، این مسأله محدودیت ایجاد نمی‌کند.

در این مطالعه بسیاری از سوالات در مقیاس لیکرت قرار دارد و در نتیجه مدل پاسخ امتیازداده شده^۵ در بین مدل‌های مختلف IRT مناسب است. اما چون مقیاس‌ها یکسان نیستند (برخی سوالات سه دسته و برخی سوالات ده دسته مقیاس‌بندی شده‌اند) و تغییر مقیاس سوالات

1. Factor Analysis

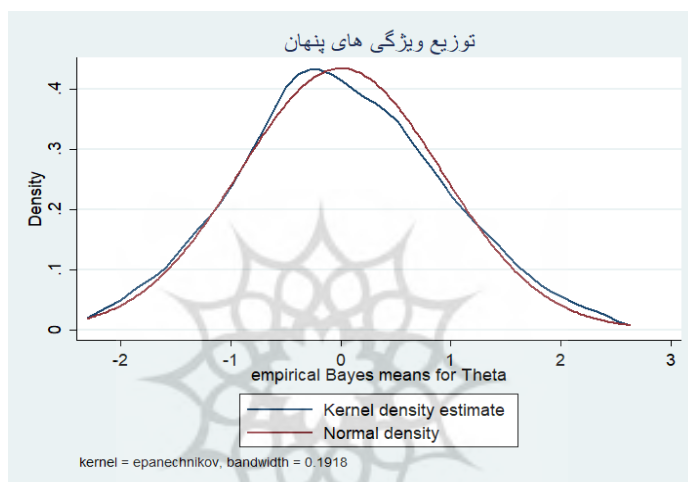
2. Principle Component Analysis (PCA)

3. Item Response Theory

4. Latent Trait

5. Graded Response Model (GRM)

بخاطر از دست رفتن دقت کار مطلوب نیست، از مدل اعتبار نسبی تعمیم یافته (GPCM)^۱ استفاده می‌کنیم. در مدل ترکیبی فوق می‌توان سوالات با مقیاس‌های متفاوت را مدیریت کرد. شکل ۱ توزیع ویژگی پنهان نگرش سیاسی افراد با استفاده از مدل اعتبار نسبی تعمیم یافته را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار برآورد شده با استفاده از مدل IRT-GPCM توزیع نرمال دارد و با استفاده از ویژگی توزیع نرمال می‌توان این شاخص برآورد شده را به سه دسته محافظه‌کار، میانه‌رو، و تحول‌خواه تقسیم‌بندی کرد.

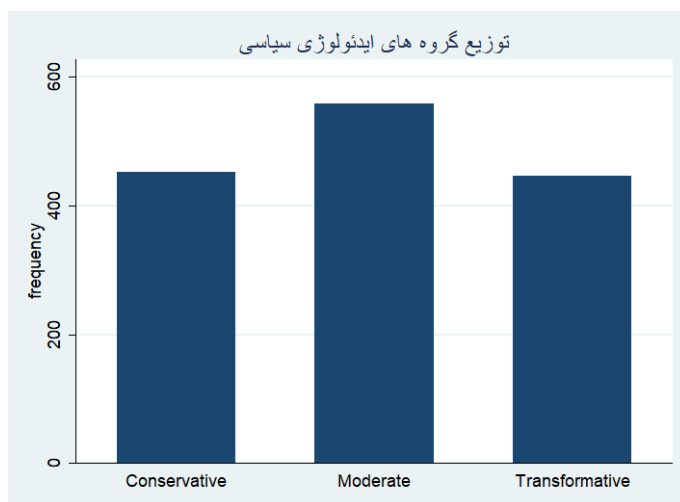


شکل ۱. توزیع ویژگی پنهان نگرش سیاسی

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس سوالات داده‌های ارزش‌های جهانی.

با استفاده از میانگین و انحراف استاندارد متغیر θ که خروجی مدل IRT-GPCM است و این واقعیت که θ توزیع نزدیک به نرمال استاندارد دارد می‌توان با ضریب ۰/۵ انحراف استاندارد، شاخص ایدئولوژی سیاسی را در سه دسته ذکر شده در بالا ساخت. شکل ۲ نمودار فراوانی هر دسته با استفاده از این ساخت را نشان می‌دهد. توازن دسته‌ها نشان‌دهنده نیکویی برازش برای شاخص ساخته شده است.

¹. Generalized Partial Credit Model (GPCM)



شکل ۲. توزیع دسته‌های شاخص ایدئولوژی سیاسی
منبع: محاسبات تحقیق بر اساس داده‌های ارزش‌های جهانی.

۴-۳-۳- گرایش مذهبی

موضوع دیگر بررسی شده در این پژوهش اثر گرایش فرد به باورهای دینی و مذهبی بر ترجیحات وی نسبت به بازتوزیع اقتصادی است. برای این موضوع از این سؤال استفاده شد که «بدون در نظر گرفتن شرکت در مراسم‌های مذهبی آیا خود را «مذهبی»، «غیر مذهبی» یا «بی‌دین» می‌دانید؟» که می‌تواند تا حد خوبی میزان نفوذ باورهای دینی در افراد را نشان دهد.

دسته‌بندی این سؤال به صورتی تغییر کرد که دسته ۱ نماینده بی‌دین‌ها، دسته ۲ نماینده غیر مذهبی‌ها و دسته ۳ نماینده مذهبی‌ها باشد. برای این شاخص نیز از ۸ سؤال پرسشنامه استفاده کردیم و با استفاده از مدل IRT-hybrid سعی در ساخت شاخص دینداری کردیم. اما با توجه به چولگی شدید داده و این واقعیت که اکثریت پاسخ‌دهندگان به مقولاتی مانند اعتقاد به خداوند، معاد، بهشت، و جهنم باور داشتند و این نکته که ایران یک کشور مذهبی است، شاخص ترکیبی به سمت دینداری چولگی دارد و دیگر توزیع متغیر ویژگی پنهان نرمال نیست. با توجه به نتایج

مدل‌های اجرا شده، استفاده از سؤال اهمیت انفسی^۱ دین از منظر شما، بهتر از شاخص ترکیبی عمل می‌کند.^۲

۴-۳-۴- سایر متغیرها

علاوه بر دو متغیر فوق، چند متغیر دیگر که در ادبیات پژوهش به آن‌ها پرداخته شده بود وارد مدل شدند. این متغیرها عبارتند از: سن، جنسیت (مرد، زن)، محل سکونت (شهر یا روستا)، سطح تحصیلات (بی‌سواد یا ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، تحصیلات عالی)، وضعیت تأهل (مجرد، متأهل، مطلقه، بیوه)، میزان رضایت از زندگی (کاملاً راضی، متوسط، کاملاً ناراضی) سطح درآمدی خانواده فرد از دیدگاه خودش (پایین، متوسط، بالا)، و قومیت (فارس، ترک، کرد، لر، شمالی، بلوچ، عرب، سایر). در این میان متغیر تحصیلات که در پرسشنامه در ۸ گویه دسته‌بندی شده بود، به ۴ گویه کاهش یافت. همچنین متغیر قومیت به یک متغیر مجازی تبدیل شد که یک گویه گروه‌های اکثریت قومی شامل فارس، لر و شمالی را تشکیل داده و به آن‌ها عدد صفر تخصیص داده شد و به سایر قومیت‌ها که شامل ترک، کرد، بلوچ، عرب و سایرین می‌شود عدد ۱ تخصیص داده شد. در واقع عنوان اقلیت قومی به قومیت‌هایی تخصیص داده شده است که زبان متفاوتی از فارسی دارند و برای خود هویت قومی مستقلی قائل هستند. برای دیدن رابطه غیر خطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، در همه تخصیص‌ها، متغیر مربع سن یک بار و یک بار مربع سن تقسیم بر ۱۰۰۰ برای تعدیل کردن اثر بزرگی مربع سن به مدل اضافه شد، اما این متغیر در هیچ تصریحی معنادار نبود به همین علت در تخصیص نهایی و گزارش ضرایب، حذف گردید. در جدول ۲، آمار توصیفی متغیرهای این پژوهش ارائه شده است.

1. Subjective

۲. در پرسشنامه ارزش‌های جهانی، در یک سؤال می‌پرسد که فارغ از این که در مراسم مذهبی شرکت می‌کنید یا خیر، خود را چطور ارزیابی می‌کنید و افراد را بین سه گزینه فرد مذهبی، غیر مذهبی، و یا بی‌دین طبقه‌بندی می‌کند. ما برای شاخص دینداری از این سؤال استفاده کردیم همان‌طور که بلال و همکاران (۲۰۲۰) استفاده کرده بودند.

۵- نتایج

اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در ۷ تخصیص جداگانه مورد بررسی قرار گرفت؛ به طوری که متغیرها تک به تک به مدل اضافه شده تا سازگاری یافته‌ها با یکدیگر و همچنین اثر متغیرهای مختلف بر یکدیگر ارزیابی شود. نتایج آزمون رگرسیون موازی و مشخصاً آزمون برنت (۱۹۹۰) - که در جدول ۵ پیوست آورده شده است - نشان می‌دهد که فرض برابر بودن ضرایب برای همه دسته‌های متغیر وابسته رد می‌شود ($\chi^2 = 58.58, p - value = 0.000$). در نتیجه مدل لجوجیت ترتیبی نمی‌تواند تصریح مناسبی از رفتار ترجیحی افراد و نسبت آن با متغیرهای مستقل را بازنمایی کند. حتی با افزودن توان دوم متغیر پیوسته سن و بررسی چند مدل دیگر نیز فرض برابری نسبت‌ها برقرار نبود. در نتیجه به نظر می‌رسد مشکل تصریح نادرست مدل نیست، بلکه این واقعیت است که فرض برابری ضرایب دست کم برای برخی از متغیرها مثل رضایت نسبت به شرایط اقتصادی نقض می‌شود. به همین خاطر از مدل لجوجیت ترتیبی تعمیم یافته^۱ که فرض موازی بودن رگرسیون یا متناسب بودن نسبت‌ها را آزاد می‌کند استفاده می‌کنیم. نتایج این مدل در جدول ۳ آمده است و همچنین جدول ۴ نیز اثر حاشیه‌ای متغیرها در تصریح‌های مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین ^۵	انحراف معیار ^۴	کمترین مقدار ^۳	بیشترین مقدار ^۲
سن	۱۴۹۹	۳۹/۴۸	۱۴/۹۴	۱۸	۹۹
جنسیت	۱۴۹۹	۰/۴۹	۰/۵۰	۰	۱
محل سکونت (شهر - روستا)	۱۴۹۹	۰/۲۶	۰/۴۴	۰	۱
تحصیلات	۱۴۹۴	۲/۹۸	۱/۰۳	۱	۴
درآمد	۱۴۷۹	۱/۶۴	۰/۶	۱	۳
وضعیت تأهل	۱۴۵۵	۱/۷۸	۰/۶۲	۱	۴

1. Generalized Ordered Logit Model (GOLM)

2. Maximum

3. Minimum

4. Standard deviation

5. Mean

۳	۱	۰/۷۴	۱/۸	۱۴۵۷	میزان رضایت از زندگی
۱	۰	۰/۴۸	۰/۳۶	۱۴۵۷	قومیت
۳	۱	۰/۴۱	۲/۸۲	۱۴۴۰	گرایش مذهبی
۳	۱	۰/۷۸	۱/۹۹	۱۴۵۷	گرایش سیاسی

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتایج در سطح اغلب متغیرهای پایه‌ای مدل شباهت زیادی با پژوهش‌های انجام شده در کشورهای دیگر دارد. اول از همه می‌توان به متغیر سن اشاره کرد. نتایج نشان داد با افزایش سن، شانس^۱ این که فرد ترجیحات بازتوزیعی زیاد داشته باشد کاهش می‌یابد. به عبارتی، افراد پیرتر کمتر از افراد جوان‌تر طرفدار مداخله دولت در جهت بهبود توزیع درآمد هستند. مثلاً برای افراد با ترجیحات بازتوزیعی کم، افزایش یک سال سن با افزایش احتمال به اندازه ۰/۲ درصد همراه است؛ یعنی با افزایش سن به اندازه یک سال، احتمال آن که فرد مداخله کم را ترجیح بدهد، به مقدار ۰/۲ درصد افزایش می‌یابد. در مقابل، افراد پیرتر، با احتمال کمتری ترجیح مداخله زیاد دولت را دارند و احتمال آن که فرد مداخله زیاد را ترجیح بدهد ۰/۲ درصد کم می‌شود. در توضیح این موضوع، یک علت مهم را می‌توان رسیدن به ثبات مالی بیشتر در سن‌های بالاتر دانست.

در واقع شاید بتوان وضعیت مالی افراد را یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین ترجیحات بازتوزیعی آن‌ها تعریف کرد. چنانچه در ادبیات موضوع نیز اشاره شد، درآمد جاری افراد اولین عواملی بود که اقتصاددانان آن را در تمایل یا عدم تمایل افراد به مداخله دولت در اقتصاد به منظور بازتوزیع ثروت مؤثر دانستند. نتایج ما نیز نشان می‌دهد سطح درآمدی افراد در تمام تخصیص‌ها اثر پایداری بر ترجیحات بازتوزیعی افراد داشته است؛ به طوری که برای افراد با درآمد بالا نسبت به افراد کم‌درآمد تمایل برای مداخله زیاد دولت ۲۰ درصد کاهش می‌یابد و در مقابل تمایل برای مداخله کم دولت ۱۲ درصد افزایش می‌یابد. برای این موضوع توضیح مشخص و سراسری وجود دارد؛ مداخله بازتوزیعی دولت ایجاب می‌کند که ثروتمندان مالیات بیشتری بپردازند که این امر طبیعتاً برای اغلب این قشر مطلوبیت نخواهد داشت.

^۱. Likelihood

تأثیر پررنگ وضعیت مالی افراد در ترجیحات بازتوزیعی آن‌ها را می‌توان در یک عامل کلی‌تر یعنی میزان رضایت آن‌ها از زندگی نیز جستجو کرد. نتایج نشان می‌دهد احتمال تمایل به مداخله زیاد دولت در افرادی که خود را کاملاً راضی از زندگی دانسته‌اند ۶ درصد کمتر از افرادی است که در زندگی احساس نارضایتی زیادی دارند. موضوعی که می‌تواند بازتابی از اثر نااطمینانی و ناامیدی افراد از شرایط حال و آینده زندگی باشد و با نتایج الرفعی (۲۰۲۰) نیز تطابق دارد. به علاوه، جدول ۶ که در پیوست این مقاله آورده شده است نیز نشان می‌دهد که همبستگی بین متغیر رضایت از زندگی و اعتماد به دولت منفی است. می‌توان این طور استدلال کرد که افراد با رضایت مندی بالا، نیازی به مداخله دولت احساس نمی‌کنند زیرا به طور کلی اعتماد عمومی به دولت در ایران پایین است.

در کنار سن، جنسیت یکی دیگر از متغیرهای کنترلی مهم این مبحث است. آنطور که در پیشینه این پژوهش بررسی شده است (برای مثال؛ گیلو، ۲۰۱۱)، ترجیحات بازتوزیعی به نفع مداخله دولت در اقتصاد در زنان پررنگ‌تر از مردان است که می‌تواند به علت جایگاه اقتصادی و درآمد پایین‌تر زنان در بسیاری از جوامع باشد. در این مقاله اگرچه ترجیح زنان برای مداخله کم دولت اثر معناداری یافت نشد، با این حال نتایج نشان می‌دهد زنان برای مداخله بازتوزیعی بیشتر دولت نسبت به مردان تمایل بیشتری دارند؛ به طوری که احتمال اینکه زنان طرفدار مداخله زیاد باشند ۷/۳ درصد بیشتر از مردان است. موضوعی که با پژوهش انجام شده در سایر کشورها نیز تطابق دارد. نکته قابل توجه این است که متغیر جنسیت یکی از متغیرهایی است که می‌تواند تفاوت مدل لاجیت ترتیبی و مدل لاجیت ترتیبی تعمیم‌یافته را نشان دهد. به طوری که ضرایب این متغیر در مدل لاجیت ترتیبی معنادار نبودند، اما در مدل لاجیت ترتیبی تعمیم‌یافته ضرایب در برخی دسته‌ها معنادار شدند. موضوعی که ویلیامز^۱ (۲۰۱۶) نیز به آن اشاره کرده است.

سطح تحصیلات دیگر متغیر مهمی است که در این مقاله به آن پرداخته شده و نتایج معنادار و متفاوتی داشته است. نتایج نشان می‌دهد تحصیلات بالاتر تمایلات بازتوزیعی را افزایش می‌دهد. به طوری که احتمال آنکه افراد طرفدار مداخله کم دولت باشند در سطح دبیرستان نسبت به ابتدایی ۱/۴ درصد و در سطح تحصیلات عالی نسبت به ابتدایی ۱/۳ درصد کاهش می‌یابد.

¹. Williams

موضوعی که با نتایج بدست آمده در کشورهای غربی متفاوت است. یک توضیح این تفاوت مهم در ایران را می‌توان به وضعیت کنونی تحصیلات عالی در ایران مرتبط دانست که در آن افزایش مدارج تحصیلی نه تنها موجب دستیابی به فرصت‌های شغلی و درآمدی بهتر نمی‌شود که در برخی موارد افراد را با محدودیت بیشتر نیز مواجه می‌کند و بنابراین انتظارات آن‌ها از دولت برای مداخله را افزایش می‌دهد.

مورد دیگری که می‌تواند تفاوت ساختار اجتماعی ایران را نمایان کند اثر سکونت در شهر یا روستا بر ترجیحات بازتوزیعی است. اگرچه در کشورهای غربی به این عامل توجه چندانی نشده است، نتایج ما نشان می‌دهد که در ایران ترجیح روستاییان برای مداخله بازتوزیعی دولت کمتر از شهرنشین‌ها است. اگرچه برای مداخله کم ضریب معناداری در این متغیر یافت نشد، اما همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، احتمال اینکه یک فرد روستایی طرفدار مداخله زیاد دولت برای توزیع درآمد باشد، ۶ درصد کمتر از یک فرد شهری است. این مسأله می‌تواند به دلیل وابستگی کمتر روستاییان در ایران به دستگاه دولت و بهره‌مندی از خدمات آن باشد. در واقع در دولت‌های رانتیر نفتی، عموماً دولت نقش توزیع‌کننده درآمدهای نفتی را دارد و از آنجا که ساختار دیوانسالاری در شهرها نمود بیشتری دارد، این نقش در شهرها پررنگ‌تر از روستاها است. روستاییان عموماً به درآمدهای کشاورزی و دامداری وابسته هستند که تا حد خوبی مستقل از مداخلات دولت در اقتصاد بطور کلی است. اما درآمد شهرنشینان بیشتر تحت تأثیر مداخلات دولت است. در نتیجه شهرنشینان، بیشتر علاقمند هستند دولت نقش پررنگ‌تر در سیاست‌های توزیعی داشته باشند تا بتوانند با تأخیر کمتری، از مواهب درآمدهای نفتی که توسط دولت توزیع می‌شود، بهره‌مند شوند.

جدول ۳. ضرایب مدل لاجیت ترتیبی تعمیم یافته برای تعیین عوامل مؤثر بر ترجیحات بازتوزیعی در ایران

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
	مداخله کم	مداخله متوازن	مداخله کم	مداخله متوازن	مداخله کم
سن	-۰/۰۱۲ (۰/۰۰۴) ***	-۰/۰۱۲ (۰/۰۰۵) **	-۰/۰۱۳ (۰/۰۰۵) ***	-۰/۰۱۱ (۰/۰۰۵) **	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۵) **
جنسیت (زن)	-۰/۰۹ (۰/۱۷) *	-۰/۲۱ (۰/۱۲) *	-۰/۱۰ (۰/۱۷) *	-۰/۲۷ (۰/۱۲) **	-۰/۱۴ (۰/۱۸) **
سکونت (روستا)	-۰/۱۶ (۰/۱۵) *	-۰/۲۴ (۰/۰۹) ***	-۰/۲۱ (۰/۱۵) ***	-۰/۲۸ (۰/۰۹) ***	-۰/۲۳ (۰/۱۶) ***
تحصیلات					
راهنمایی	-۰/۲۹ (۰/۲۲) *	-۰/۲ (۰/۲۵) *	-۰/۳۵ (۰/۲۱) *	-۰/۱۴ (۰/۲۵) *	-۰/۳۴ (۰/۲۱) *
دیپیرستان	-۰/۸۵ (۰/۲) ***	-۰/۰۴ (۰/۲) *	-۰/۹ (۰/۲) ***	-۰/۱۵ (۰/۲) *	-۰/۸۹ (۰/۲۱) ***
تحصیلات عالی	-۰/۷۸ (۰/۲۲) ***	-۰/۱۴ (۰/۱۷) *	-۰/۸۹ (۰/۲۳) ***	-۰/۰۴ (۰/۱۸) *	-۰/۸۳ (۰/۲۱) ***
وضعیت تأهل					
متأهل	-۰/۰۶ (۰/۲۲) *	-۰/۱۴ (۰/۱۳) *	-۰/۰۲ (۰/۲۳) *	-۰/۰۴ (۰/۱۵) *	-۰/۱ (۰/۲۳) *
مطلقه	-۰/۱۴ (۰/۴۱) *	-۰/۳۶ (۰/۳۶) *	-۰/۱۴ (۰/۴۴) *	-۰/۲۹ (۰/۳۷) *	-۰/۱۵ (۰/۴۴) *

بیوه	-۰/۴۰ (۰/۴۲)	-۰/۱۸ (۰/۳۵)	-۰/۲۸ (۰/۵۲)	-۰/۲۲ (۰/۴۰)	-۰/۳۳ (۰/۵۲)	-۰/۲۲ (۰/۴۱)	-۰/۳ (۰/۵۱)	-۰/۲۰ (۰/۳۹)	-۰/۳ (۰/۵)	-۰/۲۱ (۰/۴)
رضایت از زندگی										
متوسط	-۰/۲۰ (۰/۱۸)	-۰/۲۹ -۰/۱۲ (۰/۱۲) **	-۰/۲۳ (۰/۱۷)	-۰/۲۴ (۰/۱۲) **	-۰/۲۴ (۰/۱۸)	-۰/۲۳ (۰/۱۲) **	-۰/۲۳ (۰/۱۹)	-۰/۲۴ (۰/۱۲) **	-۰/۲۶ (۰/۱۸)	-۰/۱۷ (۰/۱۲)
کاملاً راضی	-۰/۴۳ (۰/۱۶) ***	-۰/۴۶ (۰/۱۲) ***	-۰/۳۵ (۰/۱۶) ***	-۰/۳۵ (۰/۱۲) ***	-۰/۳۲ (۰/۱۶) **	-۰/۳۴ (۰/۱۳) ***	-۰/۳۳ (۰/۱۶) **	-۰/۳۵ (۰/۱۳) ***	-۰/۳۰ (۰/۱۶) *	-۰/۲۷ (۰/۱۳) **
سطح درآمدی										
متوسط			-۰/۲۱ (۰/۲۱) ***	-۰/۴۹ (۰/۱۵) ***	-۰/۲۴ (۰/۲۲)	-۰/۴۹ (۰/۱۶) ***	-۰/۲۴ (۰/۲۲)	-۰/۴۹ (۰/۱۷) ***	-۰/۲۳ (۰/۲۲)	-۰/۴۷ (۰/۱۶) ***
بالا			-۰/۷۴ (۰/۲۳) ***	-۰/۸۶ (۰/۲۷) ***	-۰/۷۸ (۰/۲۳) ***	-۰/۸۸ (۰/۲۷) ***	-۰/۷۷ (۰/۲۳) ***	-۰/۸۷ (۰/۲۷) ***	-۰/۷۵ (۰/۲۲) ***	-۰/۸۳ (۰/۲۶) ***
گرایش مذهبی										
غیر مذهبی				-۰/۰۳ (۰/۸)	-۰/۵۱ (۰/۴۳)	-۰/۰۷ (۰/۸)	-۰/۵۶ (۰/۴۳)	-۰/۰۱ (۰/۸)	-۰/۴۴ (۰/۴۲)	
مذهبی				-۰/۴ (۰/۸) *	-۰/۷۲ (۰/۴۲) *	-۰/۴۲ (۰/۸)	-۰/۷۵ (۰/۴۳) *	-۰/۳۱ (۰/۸)	-۰/۴۶ (۰/۴۰)	
اقلیت قومی										
						-۰/۲۳ (۰/۱۹)	-۰/۲۲ (۰/۰۹) **	-۰/۲۳ (۰/۱۹)		-۰/۲۵ (۰/۱) ***
گرایش سیاسی										
میان‌ه‌رو						-۰/۱۲ (۰/۱۷)	-۰/۱۱ (۰/۱۲)	-۰/۱۳ (۰/۱۷)		-۰/۱۱ (۰/۱۳)

تحول خواه

۰/۵۲
(۰/۱۵)

۰/۲۰
(۰/۱۹)

۰/۵۰
(۰/۱۴)

۰/۱۹
(۰/۱۸)

تعداد مشاهدات	۱۴۴۷	۱۴۳۰	۱۴۱۴	۱۴۱۴	۱۴۱۴
Pseudo-R2	۰/۰۲۹۱	۰/۰۳۸۵	۰/۰۴۰۲	۰/۰۴۱۶	۰/۰۴۶۳
AIC	۲۹۴۵/۸۱۴	۲۸۹۰/۱۸۳	۲۸۸۵/۰۱۵	۲۸۵۰/۹۵۴	۲۸۳۷/۲۶۹
BIC	۳۰۷۲/۴۶۸	۳۰۳۷/۶۱۵	۳۰۰۷/۳۸۷	۳۰۰۳/۳۲۵	۲۹۸۹/۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش.

توضیح: اعداد داخل پرانتز خطاهای استاندارد هستند ($p < ۰/۰۱$, $***p$, $p < ۰/۰۵$, $**p$, $p < ۰/۱$).



جدول ۴. آثار حاشیه‌ای مدل لاجیت ترتیبی تعمیم‌یافته

شماره تخصیص	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
نوع مداخله	مداخله کم	مداخله متوازن	مداخله زیاد	مداخله کم	مداخله متوازن
سن	۰/۰۰۲ (۰/۰۰۰۶) ***	۰/۰۰۱۳ (۰/۰۰۰۹) **	۰/۰۰۲ (۰/۰۰۰۷) **	۰/۰۰۲ (۰/۰۰۰۸) **	۰/۰۰۰۵ (۰/۰۰۰۹) **
جنسیت (زن)	-۰/۰۱۳ (۰/۰۰۲) *	-۰/۰۳۸ (۰/۰۰۲) *	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۲) **	-۰/۰۲۰ (۰/۰۰۲) **	-۰/۰۵۴ (۰/۰۰۲) **
سکونت (روستا)	۰/۰۲۳ (۰/۰۰۲) *	۰/۰۳۵ (۰/۰۰۲) *	۰/۰۰۳ (۰/۰۰۲) **	۰/۰۰۳ (۰/۰۰۲) **	۰/۰۰۳ (۰/۰۰۲) **
تحصیلات					
راهنمایی	-۰/۰۰۵ (۰/۰۰۴) *	-۰/۰۰۵ (۰/۰۰۵) *	-۰/۰۰۷ (۰/۰۰۴) *	-۰/۰۰۶ (۰/۰۰۴) *	-۰/۰۰۵ (۰/۰۰۴) *
دبیرستان	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۴) ***	۰/۰۱۳ (۰/۰۰۴) ***	-۰/۰۱۵ (۰/۰۰۴) ***	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۴) ***	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۴) ***
تحصیلات عالی	-۰/۰۱۳ (۰/۰۰۴) ***	۰/۰۱۶ (۰/۰۰۴) ***	-۰/۰۱۵ (۰/۰۰۴) ***	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۴) ***	-۰/۰۱۳ (۰/۰۰۴) ***

وضعیت تأهل															
متاهل	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۳	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۷	۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۰۰۸	۰/۰۲
	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)
مطلقه	-۰/۰۲	-۰/۰۷	۰/۰۹	-۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۰۷
	(۰/۰۶)	(۰/۰۹)	(۰/۰۹)	(۰/۰۶)	(۰/۰۹)	(۰/۰۹)	(۰/۰۶)	(۰/۰۹)	(۰/۰۹)	(۰/۰۶)	(۰/۰۹)	(۰/۰۹)	(۰/۰۶)	(۰/۰۹)	(۰/۰۹)
بیوه	۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۱	-۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۰۱	-۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰۵	-۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰۶	-۰/۰۵
	(۰/۰۷)	(۰/۰۷)	(۰/۰۸)	(۰/۰۸)	(۰/۰۷)	(۰/۰۹)	(۰/۰۸)	(۰/۰۶)	(۰/۰۹)	(۰/۰۸)	(۰/۰۷)	(۰/۰۹)	(۰/۰۸)	(۰/۰۷)	(۰/۰۹)
رضایت از زندگی															
متوسط	-۰/۰۳	۰/۱	-۰/۰۷	-۰/۰۳	۰/۰۹	-۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۰۹	-۰/۰۵	-۰/۰۳	۰/۰۹	-۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۰۷	-۰/۰۴
	(۰/۰۲)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۲)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۲)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۲)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۲)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)
کاملاً ناراضی	۰/۰۷	۰/۰۴	-۰/۱	۰/۰۶	۰/۰۳	-۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۳	-۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۳	-۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۱	-۰/۰۶
	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۲)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	۰/۰۳	(۰/۰۳)	(۰/۰۲)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)
سطح درآمدی															
متوسط				۰/۰۳	۰/۰۹	-۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۸	-۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۸	-۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۰۸	-۰/۱۱
				(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۳)	(۰/۰۴)
بالا				۰/۱۲	۰/۰۹	-۰/۲	۰/۱۲	۰/۰۸	-۰/۲۱	۰/۱۲	۰/۰۸	-۰/۲	۰/۱۲	۰/۰۸	-۰/۲
				(۰/۰۴)	(۰/۰۶)	(۰/۰۶)	(۰/۰۴)	(۰/۰۵)	(۰/۰۶)	(۰/۰۴)	(۰/۰۶)	(۰/۰۶)	(۰/۰۴)	(۰/۰۶)	(۰/۰۶)
گرایش مذهبی															
غیر مذهبی							۰/۰۰۴	۰/۱۱	-۰/۱۲	-۰/۰۹	۰/۱۲	-۰/۱۳	-۰/۰۰۱	۰/۱	-۰/۱
							(۰/۰۹)	(۰/۱)	(۰/۱)	(۰/۰۹)	(۰/۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۹)	(۰/۱)	(۰/۱)
مذهبی							۰/۰۵	۰/۱۱	-۰/۱۶	۰/۰۵	۰/۱۲	-۰/۱۷	۰/۰۴	۰/۰۷	-۰/۱۱
							(۰/۰۹)	(۰/۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۹)	(۰/۱)	(۰/۰۹)	(۰/۱)	(۰/۱)	(۰/۰۹)

[illegible]

توضیح: اعداد داخل پرانتز خطاهای استاندارد هستند ($p < .01$, $p < .05$, $p < .01$).

در این مقاله نقش قومیت نیز به عنوان یک عامل مهم تمایز اجتماعی در ایران نیز مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب برای مداخله متوازن دولت معنادار شدند. به طور دقیق‌تر، جدول ۴ نشان می‌دهد احتمال آنکه اقلیت‌های قومی در ایران طرفدار بازتوزیع درآمد از سوی دولت باشند ۶ درصد بیش از اکثریت قومی است و این اثر در سطح ۱ درصد معنادار است. موضوع قابل توجهی که علت آن را می‌توان در نابرابری فرصت‌ها و دسترسی کمتر اقلیت‌های قومی به منابع در کشور جستجو کرد. چنانچه مشابه این موضوع در مورد سیاه‌پوستان نسبت به سفیدپوستان نیز در پژوهش‌های انجام شده در کشورهای غربی نیز مشاهده شده است.

در کنار متغیرهای پایه‌ای که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را نمایندگی می‌کنند، تأثیر دو عامل مهم دیگر یعنی گرایش مذهبی و گرایش سیاسی نیز بر ترجیحات بازتوزیعی مورد سنجش قرار گرفت. برای گرایش مذهبی ضرایب تنها برای دسته مذهبی‌ها و در سطح مداخله متوازن معنادار می‌شود. ارقام آثار حاشیه‌ای در تخصیص شماره (۴) نیز نشان می‌دهند که ترجیح بازتوزیعی افرادی که خود را مذهبی می‌دانند، برای مداخله زیاد دولت ۱۷ درصد کمتر از افرادی است که خود را بی‌دین تعریف می‌کنند. علاقه کمتر مذهبی‌ها به مداخله دولت در بازتوزیع درآمد را شاید بتوان به علت اعتماد بیشتر این قشر به نهادهای دینی دانست؛ به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که مذهبی‌ها بازتوزیع ثروت و کمک به نیازمندان را از طریق مساجد و خیریه‌های مذهبی مؤثرتر از مداخله دولتی بدانند. ضریب همبستگی متغیر دینداری با اعتماد به نهاد مسجد به عنوان مثال ۰/۴۵۶ است که همبستگی شدیدی را نشان می‌دهد. با این حال اثر مذهبی بودن بر ترجیحات بازتوزیعی در ایران نیازمند بررسی دقیق‌تری است؛ زیرا با ورود متغیر گرایش سیاسی به مدل، اثر مذهبی بودن بر گرایش اقتصادی بی‌معنا می‌شود. این موضوع می‌تواند حاکی از همبستگی میان گرایش سیاسی و مذهبی افراد در ایران داشته باشد که آزمون همبستگی پیرسون^۱ نیز این همبستگی را تأیید می‌کند و چنانچه در جدول ۷ مشاهده می‌شود میان مقادیر این دو متغیر ۳۲/۹۲- درصد همبستگی وجود دارد.

اثر نگرش سیاسی افراد بر ترجیحات بازتوزیعی را شاید بتوان مهم‌ترین نتیجه این مقاله دانست. مدل لاجیت ترتیبی تعمیم‌یافته ضریب به شدت معناداری برای این متغیر داشته است و

1. Pearson correlation

نشان می‌دهد در ایران تمایل افرادی که خود را در گروه تحول‌خواه طبقه‌بندی می‌کنند - یعنی خواهان تغییر هستند و به ارزش‌های دموکراتیک باور بیشتری دارند - به مداخلات بازتوزیعی دولت بیش از محافظه‌کاران است. به طوری که احتمال علاقه تحول‌خواهان به مداخله بازتوزیعی زیاد دولت، ۱۲ درصد بیش از محافظه‌کاران است. موضوعی که می‌توان آن را به عنوان گرایش پررنگ این گروه به عدالت اجتماعی تفسیر کرد و البته می‌تواند تحت تأثیر گسترش فقر و نابرابری در سال‌های اخیر و تجربه‌های تاریخی و اجتماعی کشور باشد. در واقع گفتمان پررنگ عدالت اجتماعی و تمایل به مداخلات دولت در جهت بهبود توزیع درآمد در میان اقشار روشنفکر و تحول‌خواه که در جنبش‌های تاریخی مانند انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت، و انقلاب اسلامی در سال ۵۷ نمود پررنگ داشته است، باعث شده است افرادی که خود را تحول‌خواه می‌دانند، همچنان در کنار بهبود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، دغدغه عدالت اجتماعی را داشته باشند. اهمیت عدالت اجتماعی نزد اکثریت مردم در ایران را می‌توان در سؤال ۱۴۹ پرسشنامه ارزش‌های جهانی ملاحظه کرد. در این سؤال از افراد پرسیده است اگر مجبور باشید بین آزادی و برابری یکی را انتخاب کنید، کدام یک را انتخاب می‌کنید؟ در ایران، ۶۷/۷ درصد از پاسخ‌دهندگان برابری را به آزادی ترجیح داده‌اند. حتی وقتی این سؤال را به تفکیک رده درآمدی فرد نگاه می‌کنیم، در میان طبقه متوسط همچنان ۶۶/۸ درصد رأی به برابری می‌دهند و حتی در میان برخوردارترین افراد نیز درصد قابل توجهی، ۴۴/۴ درصد، برابری را نسبت به آزادی انتخاب می‌کنند. در رده‌های تحصیلی نیز افراد با تحصیلات عالی که انتظار می‌رود روی آزادی حساس‌تر باشند، ۶۲/۵ درصد برابری را در مقابل آزادی انتخاب می‌کنند. این متغیر در کشورهایی مانند آمریکا کاملاً ترجیحات به نفع آزادی سنگینی می‌کند (۷۷/۹ درصد آزادی و تنها ۲۱/۳ درصد برابری را انتخاب کرده‌اند). چنین پیشینه اجتماعی نسبت به مقوله برابری، باعث می‌شود که در جایی مانند ایران، همچنان مداخلات بازتوزیعی دولت برای افراد با رویکردهای تحول‌خواهانه در سیاست، پررنگ باشد.

۵-۱- ارزیابی قدرت توضیحی مدل

ارزیابی مدل‌های انتخاب گسسته مثل لاجیت از روش‌های مختلفی انجام می‌شود. یکی از این روش‌ها بررسی عدد $Pseudo R^2$ و دیگری بررسی معیارهای اطلاعاتی آکائیکه (AIC)^۱ و بیزین (BIC)^۲ است که قدرت توضیح‌دهندگی یک مدل را نسبت به مدل‌های دیگر نشان می‌دهند و هر دو معیار مدلی را برمی‌گزینند که عدد کمتری به آن بدهند. نتایج این سه معیار در سه ردیف آخر جدول ۳ قابل مشاهده است.

در ۵ تخصیص مدل ترجیحات اقتصادی که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است، عدد $Pseudo R^2$ از ۰/۰۲۹۱ در تخصیص اول به ۰/۰۴۶۳ در تخصیص پنجم افزایش یافته است. موضوعی که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل اضافه‌شده قدرت توضیح‌دهندگی ترجیحات اقتصادی در ایران را افزایش داده‌اند. باید توجه داشت که به طور کلی در مدل‌های ترتیبی معیار عدد $Pseudo R^2$ مقدار کمی دارد و این موضوع در پژوهش‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد. به طوری که مثلاً در پژوهش الرفعی (۲۰۲۰) که ترجیحات اقتصادی در مصر را مورد بررسی قرار داده این عدد حدود ۰/۰۶ اعلام شده است. یا گیلو (۲۰۱۱) در بررسی این ترجیحات در بین ۳۳ کشور مختلف، این ضریب را حداکثر برابر با ۰/۰۸۷ به دست آورده است.

همچنین نتایج معیارهای اطلاعاتی نیز نشان می‌دهد که مقدار این معیارها در تصریح‌های اول تا پنجم روندی کاهشی دارد و در تصریح پنجم به مقدار ۲۸۳۷/۲۶۹ برای معیار AIC و ۲۹۸۹/۶۴ برای معیار BIC رسیده است که کمترین مقدار برای هر دو معیار اطلاعاتی است. این نتیجه به این معنی است که متغیرهای اضافه‌شده به قدرت توضیح‌دهندگی مدل افزوده‌اند و تصریح آخر بیشترین تعادل را میان برازش داده‌ها و پیچیدگی مدل ایجاد کرده است.

۶- جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی

در این مقاله اثر چند عامل مهم اثرگذار بر ترجیحات بازتوزیعی اقتصادی در ایران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در ایران افراد جوان‌تر، با تحصیلات بالاتر، شهرنشین‌ها، کم‌درآمدها،

۱. Akaike information criterion (AIC)

۲. Bayesian information criterion (BIC)

اقلیت‌های قومی و تحول‌خواهان گرایش بیشتری به مداخله زیاد دولت در اقتصاد به نفع سیاست‌های بازتوزیعی دارند که در این میان محاسبه آثار حاشیه‌ای نشان می‌دهد اثر درآمد بیش از متغیرهای دیگر است. این یافته‌ها در مورد اغلب متغیرها با پژوهش‌های انجام شده در کشورهای دیگر نیز تطابق داشتند. با این حال در مورد تحصیلات در بسیاری از تحقیقات قبلی نتایج متفاوتی با این تحقیق بدست آمده است و تفاوت این اثر در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر به ویژه کشورهای غربی موضوعی جالب توجه است.

اثر قابل توجه گرایش سیاسی نیز بر ترجیحات بازتوزیعی از نتایج حائز اهمیت این مقاله است. موضوعی که از اهمیت بحث نابرابری اجتماعی در اذهان اقشار ناراضی از وضعیت موجود و تغییرطلبان حکایت می‌کند. به طوری همچنین مانا نبودن اثر مذهبی بودن با ورود متغیر گرایش سیاسی - چنانچه توضیح داده شد - می‌تواند نشان دهد اثر گرایش سیاسی بر ترجیحات بازتوزیعی افراد قوی‌تر از گرایش مذهبی آن‌ها عمل می‌کند. این موضوع با نتایج مک کارتی و همکاران (۲۰۱۶) نیز تطابق دارد. آن‌ها نشان دادند که ایدئولوژی گروهی افراد مذهبی تأثیر قابل توجهی بر ترجیحات اقتصادی آن‌ها دارد؛ به عبارت دیگر باورها و دیدگاه‌های سیاسی افراد که به آن احساس پایداری کرده و به وسیله آن‌ها خود را عضو گروه یا طیفی خاص تعریف می‌کنند، در شکل‌دهی به باورهای اقتصادی آن‌ها نسبت به صرفاً گرایش مذهبی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند.

این یافته‌ها دو پیامد می‌تواند داشته باشد؛ اول شناسایی گروه‌هایی که دستگاه دولت در طراحی سیاست‌های اقتصادی باید آن‌ها را به طور ویژه لحاظ کند؛ زیرا برخی از این گروه‌ها (مانند کم‌درآمدها) گروه‌های آسیب‌پذیرتری هستند که نیاز بیشتری به مداخله اقتصادی دولت دارند. پیامد دوم نتایج این مقاله نیز این است که می‌تواند یک تحلیل اجتماعی از وضعیت اقشار مختلف به دست دهد و حتی با در نظر گرفتن گرایش بیشتر قشر جوان و گروه‌های سیاسی تحول‌خواه و دموکراسی‌خواه به سمت مداخلات بازتوزیعی بیشتر دولت تا حدی در پیش‌بینی تحولات آتی کمک‌کننده باشد و نشان دهد که اگر دولت بدون در نظر گرفتن ترجیحات این اقشار تصمیم به اجرای سیاست‌های اقتصادی خاصی بگیرد، با مخالفت‌های شدیدی روبرو خواهد شد. در شرایطی که نهاد دولت در ایران با کاهش شدید سرمایه اجتماعی مواجه است، عدم توجه به تأثیرات اصلاحات اقتصادی از منظر عدالت اجتماعی، می‌تواند وضعیت سرمایه اجتماعی دولت را بیش از

پیش با مخاطره مواجه سازد. در جامعه‌ای مانند ایران که ترجیحات بازتوزیعی قوی وجود دارد و گروه‌های مختلف اجتماعی مانند اقلیت‌های قومی، جوانان و افراد کم درآمد، موافق بهبود توزیع درآمد و ایفای نقش پررنگ دولت در این مسأله هستند، اگر اصلاحات اقتصادی مانند اصلاح در بازار انرژی، همراه با پیوست عدالت نباشد، می‌تواند مخاطرات اجتماعی و امنیتی برای دولت ایجاد کند که نمونه آن در اعتراضات مربوط به افزایش قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ مشاهده شد. در واقع عدم توجه به بافتار اجتماعی و سیاسی جامعه باعث می‌شود بعضاً خود اصلاحات اقتصادی نیز عقیم بماند. اتفاقی که در ایران سر مسأله اصلاح قیمت انرژی بعد از حوادث سال ۱۳۹۸ روی داد و باعث شد نه تنها اصلاح بازار انرژی درست انجام نشود، بلکه دست سایر دولت‌ها برای اصلاح بازار انرژی بیش از پیش بسته بماند و گره مسأله ناترازی انرژی کورتر و اصلاحات در این حوزه سخت‌تر از همیشه گردد.

بدین منظور، پژوهش‌های بیشتر روی ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و نسبت آن با متغیرهای اقتصادی می‌تواند روشنگر باشد. به خصوص جمع‌آوری نمونه بزرگ‌تر بطوری که بتوان نتایج را به تفکیک سطوح جزئی‌تر مانند استان بدست آورد می‌تواند به دولت برای طراحی سیاست‌های رفاهی و اصلاحات اقتصادی کمک شایانی کند.

چنانچه پژوهش‌های حوزه ترجیحات بازتوزیعی هر یک جوامعی خاص و معین را در نظر می‌گیرند، نتایج این مقاله نیز متمرکز به جامعه ایران است. بنابراین برای بدست آوردن تفسیری جامع‌تر از عوامل تعیین‌کننده ترجیحات بازتوزیعی افراد، به ویژه در مورد تأثیر گرایش‌های مذهبی و ایدئولوژی سیاسی، می‌توان در کارهای آتی مطالعات تطبیقی با سایر جوامع خاورمیانه و یا مقایسه با جوامع اروپایی که نظام دینی و سیاسی متفاوتی دارند را در نظر داشت.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام کردند که هیچگونه تضاد منافع برای این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در مفهوم‌سازی و نگارش مقاله مشارکت داشتند. همه نویسندگان محتوای مقاله را تأیید کردند و در مورد تمام جنبه‌های کار توافق داشتند.

منابع

- اسداله‌زاده، امیرحسین، کرامتی، محمدعلی، و حقیقت منفرد، جلال. (۱۴۰۱). بررسی رابطه میان ترجیحات اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی و سواد مالی، مطالعه آزمایشگاهی در شهر تهران. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۹(۳)، ۵۹-۸۶.
- امیری، میثم، و رحمانی، تیمور. (۱۳۸۵). بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۳(۶)، ۱۱۳-۱۵۶.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۳). بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور(۵): اظهارنظر کارشناسی در مورد احکام تبصره «۱۳» (حمایت‌های اجتماعی).

References

- Alesina, A., & La Ferrara, E. (2005). Preferences for Redistribution in the Land of Opportunities. *Journal of Public Economics*, 89(5-6), 897-931.
- Alesina, A., & Angeletos, G. M. (2005). Fairness and Redistribution. *American Economic Review*, 95(4), 960-980.
- Alesina, A., & Giuliano, P. (2011). Preferences for Redistribution. In *Handbook of Social Economics* (1, 93-131). Amsterdam: North-Holland.
- Alesina, A., & Fuchs-Schündeln, N. (2007). Good-bye Lenin (or Not?): The Effect of Communism on People's Preferences. *American Economic Review*, 97(4), 1507-1528.
- Barber, M., & Pope, J. C. (2019). Does Party Trump Ideology? Disentangling Party and Ideology in America. *American Political Science Review*, 113(1), 38-54.
- Barembaim, I., & Karabarounis, L. (2008). One dollar One Vote. *The Economic Journal*, 121(553), 621-651.
- Benabou, R., & Ok, E. A. (2001). Social Mobility and the Demand for Redistribution: The POUM Hypothesis. *The Quarterly Journal of Economics*, 116(2), 447-487.
- Benabou, R., & Tirole, J. (2006). Belief in a Just World and Redistributive Politics. *The Quarterly Journal of Economics*, 121(2), 699-746.
- Brant, R. (1990). Assessing Proportionality in the Proportional Odds Model for Ordinal Logistic Regression. *Biometrics*, 46(4), 1171-1178.

Choi, G. (2021). Individuals' Socioeconomic Position, Inequality Perceptions, and Redistributive Preferences in OECD Countries. *The Journal of Economic Inequality*, 19(2), 239-264.

Cohen, G. L. (2003). Party over Policy: The Dominating Impact of Group Influence on Political Beliefs. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(5), 808-822.

El Rafhi, B., & Volle, A. (2020). The Effect of the Arab Spring on Preferences for Redistribution in Egypt. *Review of Income and Wealth*, 66(4), 875-903.

Guillaud, E. (2011). Preferences for Redistribution: An Empirical Analysis Over 33 Countries. *The Journal of Economic Inequality*, 11, 57-78.

Iacono, R., & Ranaldi, M. (2021). The Nexus between Perceptions of Inequality and Preferences for Redistribution. *The Journal of Economic Inequality*, 19(1), 97-114.

Kim, H., & Lee, Y. (2018). Socioeconomic status, perceived inequality of opportunity, and attitudes toward redistribution. *The Social Science Journal*, 55(3), 300-312.

Marx, P. (2014). The Effect of Job Insecurity and Employability on Preferences for Redistribution in Western Europe. *Journal of European Social Policy*, 24(4), 351-366.

McCarthy, A. F., Davis, N. T., Garand, J. C., & Olson, L. R. (2016). Religion and Attitudes toward Redistributive Policies among Americans. *Political Research Quarterly*, 69(1), 121-133.

Meltzer, A. H., & Richard, S. F. (1981). A Rational Theory of the Size of Government. *Journal of political Economy*, 89(5), 914-927.

Piketty, T. (1995). Social Mobility and Redistributive Politics. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 551-584.

Ravallion, M., & Lokshin, M. (2000). Who Wants to Redistribute?: The Tunnel Effect in 1990s Russia. *Journal of Public Economics*, 76(1), 87-104.

Train, K. E. (2009). *Discrete Choice Methods with Simulation*. Cambridge: Cambridge University Press.

Williams, R. (2016). Understanding and Interpreting Generalized Ordered Logit Models. *The Journal of Mathematical Sociology*, 40(1), 7-20.

World Values Survey Association. *World Values Survey Data*. Retrieved from <https://www.worldvaluessurvey.org/>

Zampelli, E. M., & Yen, S. T. (2021). Individual Attitudes toward Government's Role in Redistributing Income in the United States: Analysis by Ideological Subgroups. *The Journal of Economic Inequality*, 19, 115-137.

پیوست

در این بخش جدول نتایج آزمون رگرسیون‌های موازی، آثار حاشیه‌ای متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در ۵ تصریح مدل لاجیت ترتیبی تعمیم‌یافته و همچنین جدول همبستگی پیرسون میان متغیرهای گرایش مذهبی و گرایش سیاسی ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون رگرسیون‌های موازی

	Chi2	df	P value
Wolfe Gould	۵۲/۸۳	۲۷	۰/۰۰۲
Brant	۵۹/۹۹	۲۷	۰/۰۰۰
Score	۶۰/۸	۲۷	۰/۰۰۰
Likelihood ratio	۵۴/۰۱	۲۷	۰/۰۰۲
Wald	۶۱/۱۱	۲۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش.

جدول ۶. همبستگی پیرسون میان متغیرهای میزان رضایت از زندگی و اعتماد به دولت

متغیر	رضایت از زندگی	اعتماد به دولت
رضایت از زندگی	۱	-۰/۱۳۲۱
اعتماد به دولت	-۰/۱۳۲۱	۱

منبع: یافته‌های پژوهش.

جدول ۷. همبستگی پیرسون میان متغیرهای میزان مذهبی بودن و گرایش سیاسی

متغیر	گرایش مذهبی	گرایش سیاسی
گرایش مذهبی	ضریب همبستگی ۱	-۰/۳۲۹۲
	P - value	۰
گرایش سیاسی	ضریب همبستگی -۰/۳۲۹۲	۱
	P - value	۰

منبع: یافته‌های پژوهش.